

## جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام در قرآن از منظر شعر عرب

علی بنائیان اصفهانی<sup>۱</sup>

الهام آقادوستی<sup>۲</sup>

فائزه پسندی<sup>۳</sup>

**چکیده:** خداوند بلندمرتبه در کتاب عظیم الشان خود مکرراً به ستایش مقام والای اهل بیت علیهم‌السلام می‌پردازد و سراسر قرآن شامل آیاتی است که به طور مستقیم و غیر مستقیم، به منزلت ایشان اشاره دارد. در این میان، عظمت خاندان نبوی علیهم‌السلام که در اشعار ادبای شاخص جهان عرب، اعم از سنی و شیعه، معاصر و غیر معاصر، ترسیم شده، قابل تأمل و بررسی است؛ ادیبان برجسته‌ای که همواره ارادت خالصانه خود را به ساحت مقدس خاندان پیامبر عرضه داشته‌اند. این مقاله بر آن است تا برخی از آیات قرآن را که در شأن این خاندان نازل گردیده، با استناد به اشعاری که شعرای عرب در این زمینه سروده‌اند، بررسی کند.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن کریم / اهل بیت / شعر عرب / شعرای عرب.

۱. پژوهشگر و مدرس دانشگاه، Ali\_banaeian@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب، E\_doosty@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب، Faezehpasandi@yahoo.com



## بیان موضوع

موضوع این مقاله آشنایی با جایگاه اهل بیت علیهم السلام در قرآن، با استناد به اشعار مشهورترین و مهم‌ترین شاعران عرب، موضوع این مقاله است. گردآوری تمام آیات مربوط به اهل بیت علیهم السلام با توجه به محدود بودن مقاله امکان‌پذیر نمی‌باشد، لذا در این مختصر کوشیده‌ایم با بررسی بیش از سی آیه، به اهمیت جایگاه این خاندان در قرآن اشاره کنیم؛ ضمن آن که در خلال بحث، به ابیات بیست شاعر عرب نیز اشاره می‌شود که در مدح اهل بیت و بیان جایگاه آنها در قرآن به رشته نظم در آورده‌اند. در این مقاله، بیشتر بر منابع معتبر تفسیری و حدیثی بزرگان اهل تشیع و اهل تسنن و دواوین شاخص‌ترین شعرا تکیه شده است تا صحت مطالب مورد تردید واقع نگردد.

در هر قسمت، پس از ذکر آیه مربوط به اهل بیت علیهم السلام، به شأن نزول آن آیه پرداخته می‌شود، سپس شرح و توضیح مختصری از آیات (گاه همراه روایت و یا حدیثی) ارائه شده و در این زمینه به بیت یا ابیاتی از یکی از مشهورترین شعرای قدیم یا معاصر عرب اشاره می‌گردد و در مورد هر شعری، اقتباس، تضمین یا تلمیح بودن آن نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیش از آغاز بحث، لازم است در مورد اقتباس، تضمین و تلمیح نیز توضیحاتی ارائه شود، چه هر یک از این شعرا در ابیات خود با تمسک به یکی از این آرایه‌ها به سخن‌سرایی پیرامون اهل بیت پرداخته‌اند.

**-اقتباس:** در لغت، به معنی شعله گرفتن یا نورگرفتن است و در اصطلاح، عبارت است از اینکه گوینده در نثر یا شعرش، چیزی از قرآن یا حدیث بگنجاند به گونه‌ای که اعلان نکند این از قرآن یا حدیث است؛ یعنی نگوید «قال الله» یا «قال رسول الله» که معلوم شود از اینها اقتباس کرده است. در اقتباس دو شرط باید رعایت گردد: ۱- اینکه اعلان نگردد آنچه گرفته شده از قرآن یا حدیث است. ۲- تغییر لفظ



در آن اندک باشد. (هاشمی، ص ۳۷۵)

**-تضمین:** آن است که شاعر چیزی از شعر مشهور دیگران را در دل شعر خویش جای دهد. اگر پیش ناقدان شعر و سخنوران (اهل زبان) مشهور نباشد، تذکر دهد که شعر از کیست و با این کار بر زیبایی شعر او افزوده می شود. (همو، ص ۳۷۶)

**-تلمیح:** یعنی اشاره کردن به داستان معین یا شعر مشهور یا ضرب المثل بدون ذکر هریک از آنها. (همو، ص ۳۷۸)

### اهداف مقاله

۱. آشنایی خواننده با آیاتی که در شأن اهل بیت نازل شده که نزول برخی از این آیات را در شأن اهل بیت، جز پس از آگاهی از شأن نزول آنها، نمی توان دریافت.
۲. آشنایی خواننده با روایات و احادیثی که به ارتباط بین آیات و اهل بیت، اشاره دارد.
۳. آشنایی خواننده با اشعار مشهورترین شعرای عرب که به جایگاه اهل بیت در قرآن از منظر شعر نگریسته و در این باب سخن سرایی کرده اند.

### شیوه نگارش مقاله

این مقاله که با شیوه تحلیلی - توصیفی نگاشته شده، به بررسی منزلت و مرتبه اهل بیت علیهم السلام و بیان جایگاه آنان در قرآن کریم از منظر شعر عرب می پردازد.

### اهل بیت (علیهم آلف التّحیه و السّلام)

از خلال تأمل در متون معتبر دینی، اهل بیت را دارای مقامی رفیع و منزلتی والا و درجه ای می یابیم که خدا و رسولش آن را بی نهایت توصیف می کنند آن چنان که امام علی علیهم السلام می فرماید:

لَا يُقَاسُ بِأَلِ مُحَمَّدٍ ﷺ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ وَلَا يُسَوَّى بِهِمْ مَنْ جَرَتْ نِعْمَتُهُمْ عَلَيْهِ أَبَدًا هُمْ أَسَاسُ الدِّينِ وَ عِمَادُ الْيَقِينِ إِلَيْهِمْ يَبْنَى الْعَالِي وَ بِهِمْ يُلْحَقُ

التَّالِي وَ لَهُمْ خَصَائِصُ حَقِّ الْوَلَايَةِ وَ فِيهِمُ الْوَصِيَّةُ وَ الْوَرَاثَةُ» (سیدرضی،

ص ۴۵)

از این اَمّت کسی را با خاندان رسالت هم‌پایه نتوان پنداشت، و هرگز نمی‌توان پرورده نعمت ایشان را در رتبت آنان داشت که آل محمد ﷺ پایه دین و ستون یقین‌اند. هر که از حد درگذرد به آنان بازگردد، و آن که وامانده، بدیشان پیوندد. حقّ ولایت خاصّ ایشان است و میراث پیامبر مخصوص آنان. (شهیدی، ص ۹)

قرآن کریم در آیات فراوانی، مقام، منزلت، صفات و فضایل اهل بیت علیهم‌السلام را یادآور می‌شود که از آن جمله می‌توان به آیه تطهیر، مباحله و ... اشاره نمود که به برخی از آنها اشاره خواهیم نمود.

در این مقاله به بررسی دو گروه از آیات می‌پردازیم. اول، آیاتی که درون‌مایه آن در شأن پنج تن آل پیامبر ﷺ نازل شده است. دوم، آیاتی که مربوط به یکی از افراد این خاندان مطهر است. هر قسمتی را به طور مجزاً بررسی می‌کنیم و در هر دسته، عنوان اصلی را یکی از آیات قرآن کریم قرار خواهیم داد.

#### الف) آیاتی در شأن پنج تن آل کساء

۱. ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾ (شوری ۴۲) / (۲۳) بگو به ازای آن (رسالت) پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشتانندان.

شأن نزول: هنگامی که این آیه نازل گردید، از رسول خدا سؤال شد: یا رسول الله، این اقربائی که دوستی آنها بر ما واجب است، چه کسانی اند؟ پیامبر فرمود: علی و فاطمه و دو پسر آنها. (ابی‌الحاتم، ج ۱۰، ص ۳۲۷۶)

در اینجا شاعر معاصر عرب "حاج محمد علی حاج حسین"<sup>۱</sup> با اقتباس از آیه قریبی، سروده است:

۱. استاد حاج محمدعلی بن حاج ابوالحسن حلق حرزی، به سال ۱۹۳۹ م در کربلا به دنیا آمد و هم اکنون در عراق در قیدحیات است.

وَبِأَيِّ فَلَا أَبْتَغِي لِرِسَالَتِي  
إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَهُمْ  
شَيْئاً مِّنَ الصَّفَرَاءِ وَ الْبَيْضَاءِ  
نَسْلُ الْوَصِيِّ وَ عِتْرَةُ الزَّهْرَاءِ

(مؤید، ج ۱، ص ۴۵۱)

یعنی: (در خصوص آیاتی که در شأن و منزلت ایشان نازل شده و بیانگر فضیلت ایشان است)، می‌توان به آیه مودت اشاره کرد که در آن پیامبر دستمزد رسالتش را طلا و نقره قرار نداد، بلکه دوستی با خاندانش را که شامل زهرای مرضیه و علی مرتضی و فرزندان ایشان است، اجر رسالتش قرار داد.

نامگذاری اهل بیت علیهم‌السلام به ذی القربی، در آیه دیگری آمده است:

﴿وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ لَا تُبَذِّرْ تَبْذِيراً﴾ (اسراء (۱۷) / ۲۶): و حق نزدیکان را بپرداز، و (همچنین حق) مستمند و وامانده در راه را. و هرگز تبذیر مکن. شرح و توضیح: جلال الدین سیوطی می‌گوید: هنگامی که این آیه نازل شد، پیامبر خدا فاطمه علیها‌السلام را فرا خواند و فدک را به او بخشید. (سیوطی، ج ۴، ص ۱۷۷)

شیخ عبدالحسین حویزی<sup>۱</sup> با تلمیح و اشاره به ماجرای اعطای فدک به فاطمه علیها‌السلام، چنین می‌گوید:

فدكُ في حياةِ أحمدَ أعطتهُ  
يمينُ الهدى إلى قُرباها

(مؤید، ج ۵، ص ۲۴۳)

یعنی: پیامبر رحمت و هدایت در زمان حیات خود، فدک را به اهل بیتش اهدا نمود.

۲. ﴿أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيراً﴾ (احزاب (۳۳) / ۳۳): خداوند اراده می‌کند که پلیدی و ناپاکی را از شما اهل بیت دور کند و شما را مطهر سازد.

شأن نزول: هنگامی که این آیه نازل شد، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در منزل ام سلمه بود. آن

۱. شیخ عبدالحسین حویزی عالم بزرگ و شاعر توانمند (۱۲۸۷-۱۳۷۷ق) نزد ادیبان مشهور زمان خود از جمله سید ابراهیم طباطبایی بر ادب آگاهی یافت و به آموختن علوم اسلامی، ریاضی و هندسه پرداخت. (دیوان حویزی، باب حیاة الشاعر)



حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را فراخواند و آنها را زیر کساء قرار داد. سپس فرمود: خداوندا، اینها اهل بیت من هستند، پس پلیدی را از آنها دور کن و پاک و مطهر قرارشان ده. و سه مرتبه آن را تکرار فرمود. سپس ادامه داد: خداوندا، صلوات و برکات خود را بر آل محمد قرار بده. (ابن کثیر، ج ۶، ص ۳۶۸)

سیوطی نقل می‌کند: پیامبر به مدت شش ماه هر روز صبح هنگام عبور از خانه امیرالمؤمنین علیه السلام این آیه را تلاوت می‌کرد و می‌فرمود: ای اهل بیت من، به نماز بشتابید. (سیوطی، ج ۵، ص ۱۹۹)

شعرای عرب، این آیه را که در وصف اهل بیت است، به گونه‌های مختلف در اشعار خود آورده‌اند. در اینجا به دو مورد از این ابیات اشاره می‌کنیم.

شیخ هادی کاشف‌الغطاء<sup>۱</sup> با تضمین این آیه می‌گوید:

وَ آيَةُ التَّطْهِيرِ قَدْ دَلَّتْ عَلَى  
أَذْهَبَ عَنْهَا رُبُّهَا الرَّجْسَ كَمَا  
عِصْمَتِهَا مِنَ الذُّنُوبِ كَمَلًا  
طَهَّرَهَا فِي الخَلْقِ عَمَّا وَصَمًا

(مؤید، ج ۱، ص ۵۹۷)

یعنی: و آیه تطهیر به عصمت کامل او (حضرت زهرا) از همه گناهان دلالت می‌کند. و خداوند پلیدی را از وی دور کرد همان طور که او را در میان خلق پاک و مطهر قرار داد.

سید مرتضی قزوینی<sup>۲</sup> نیز با تضمین این آیه چنین می‌گوید:

أَذْهَبَ اللهُ رُبُّنَا الرَّجْسَ عَنْهُمْ  
أَهْلُ بَيْتٍ قَدْ احْتَوَاهَا الْكِسَاءُ

(همان، ج ۱، ص ۴۷۴)

۱. ابومحمد رضا هادی بن عباس بن علی بن شیخ جعفر صاحب کشف الغطاء (۱۲۸۹-۱۳۶۱ق) دانشمند بزرگ، ادیب مشهور و شاعرتوانای عراقی. (مؤید، باب الشعراء)

۲. مرتضی بن سید صادق بن سید محمد رضا بن سید هاشم موسوی قزوینی (زاده ۱۳۴۹ق. کربلا) که نسبتش به امام موسی کاظم علیه السلام می‌رسد هم اکنون جزء خطبا و شعرای برجسته عراقی به شمار می‌رود. (مؤید، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۴۷۲)

یعنی: خداوند، ناپاکی را از آنان دور کرد، اهل بیتی که پیامبر آنها را زیر کساء خود جمع نمود.

۳. ﴿الْمُ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾ (ابراهیم (۱۴) / ۲۴): آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده: سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است؟

شرح و توضیح: سلام ختعمی از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه پرسید: منظور از ﴿أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾ چیست؟ امام فرمود: ای سلام، درخت، محمد است و شاخه اصلی، امیر المؤمنین و میوه، حسن و حسین و ترکه آن، فاطمه و شاخه‌های کوچک‌ترش، امامان علیهم السلام هستند. (صالحی اندیشکی، ص ۲۵۷)

حاج محمد علی شاعر، این آیه را این چنین با استفاده از صنعت تلمیح به تصویر کشیده است:

هِيَ أَصْلُ أَغْصَانٍ تُضِيءُ فُرُوعُهَا      أَنْوَارَ أَعْلَامِ الثُّبَيِّ النَّجَبَاءِ  
(مؤید، ج ۱، ص ۴۵۱)

۴. ﴿فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ﴾ (بقره (۲) / ۳۷): سپس آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت نمود و (خدا) او را بخشید.

شرح و توضیح: خداوند در این آیه به کلماتی اشاره می‌کند که آنها را به حضرت آدم تعلیم نمود و سپس به وسیله آنها توبه او را پذیرفت. در مورد این کلمات، روایات زیادی نقل شده، از جمله روایت زیر:

حافظ نجار از ابن عباس نقل می‌کند: از رسول الله صلی الله علیه و آله در مورد کلماتی که آدم آنها را از پروردگارش دریافت نمود و به وسیله آن توبه‌اش پذیرفته شد، سؤال کردم، ایشان پاسخ داد: او خدا را به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین سوگند داد، پس خداوند هم توبه او را پذیرفت. (فرات کوفی، ص ۵۷)

در این زمینه، شیخ هادی کاشف الغطاء با تلمیح به ماجرای این توبه و چگونگی عفو الهی، سروده است:

مَنْ مِهِم تَابَ الْإِلَهُ وَ عَفَا  
عَنْ آدَمٍ وَقَدْ كَفَاهُ شَرَفَا

(مؤید، ج ۵، ص ۵۹۸) یعنی: آنان کسانی‌اند که خدایه خاطر ایشان توبه آدم را پذیرفت و از او درگذشت. و همین شرف او را بس است.

۵. ﴿فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنفُسَنَا وَ أَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾ (آل عمران (۳) / ۶۱): بگو بیایید پسرانمان و پسرانستان، و زنانمان و زنانتان، و خویشان نزدیک خود را فراخوانیم؛ سپس مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

شان نزول: اشاره به رویداد مباحله دارد که طی آن قرار شد پیامبر با نصاری نجران مباحله کند، یعنی همدیگر را نفرین کنند، تا خداوند طرف دروغگو را لعنت و عذاب کند. در روز موعود علمای نصاری جمع شده و با کمال تعجب دیدند پیامبر تنها همراه یک زن و یک مرد و دو کودک آمده است. در آن روز اسقف نصاری به آنها گفت: ای گروه نصاری، من امروز کسانی را می بینم که اگر خدا بخواهد به خاطر آنها کوهی را از جا برکند چنین می کند، پس مباحله نکنید که هلاک می شوید و تا روز قیامت هیچ نصرانی بر زمین باقی نخواهد ماند. (طبرسی، ج ۲، ص ۷۶۲)

شرح و توضیح: پیامبر در روز مباحله، همراه خاندان خود به این مراسم رفتند. در این آیه منظور از «ابناءنا» امام حسن و امام حسین، منظور از «نساءنا» تنها حضرت زهرا، و منظور از «انفسنا» حضرت علی علیه السلام می باشند که پیامبر، ایشان را همچون نفس خود به حساب آورده؛ گویی دو روح در یک تن می باشند. همه این‌ها بیانگر عظمت مقامی است که خداوند، آن را مخصوص این خاندان قرار داده است، به طوری که این پنج تن را به مثابه همه امت اسلامی قرار داده و آنها را برای ابتهال پیامبر با نصاری برگزیده است.

شعرا از دیرباز تا کنون این ابتهال را به اشکال مختلف در اشعار خود عنوان نموده‌اند. نمونه آن بیت زیر است از صفی الدین الحلّی<sup>۱</sup> که با اشاره و تلمیحی زیبا آن را چنین به نظم در آورده:

بِکُمْ باهَلَّ النَّبِيُّ و لم یُلْفِ  
لَکُمْ خامساً سِوَاهُ یَزَادُ

(حلّی، ص ۸۹)

یعنی: پیامبر به وسیله شما مباهله کرد و برای شما پنجمین تنی جز خود نیافت.  
۶. ﴿مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ \* بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ \* يُخْرِجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤَ وَالْمَرْجَانَ﴾  
(الرحمن (۵۵) / ۱۹-۲۰-۲۲): دو دریا را (به گونه‌ای) روان کرد (که) به هم برخورد کنند \* میان آن دو حد فاصلی است که به هم تجاوز نمی‌کنند \* از هر دو دریا مروارید و مرجان برآید. امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: منظور از ﴿مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ﴾ علی و فاطمه‌اند، که چونان دو دریای ژرف‌اند که هیچ یک بر دیگری تجاوز نمی‌کند. و در روایتی دیگر آمده: در آیه ﴿بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ﴾ منظور از برزخ، رسول الله است. در آیه ﴿يُخْرِجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤَ وَالْمَرْجَانَ﴾ منظور امام حسن و امام حسین علیهم السلام هستند. (ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۱۸-۳۱۹)

حاج محمد آل رمضان احسائی<sup>۲</sup> با تضمین این آیه، گوید:

بِحِرَانِ كَانَتْ لَهَا بَرْزَخاً  
أَخْرَجَتْ الْمَرْجَانَ وَالذُّرّاً

(مؤید، ج ۳، ص ۲۶۱)

یعنی: علی و فاطمه دو دریا هستند که بین آنها حد فاصلی چون پیامبر وجود دارد و از آن دو، لؤلؤ و مرواریدی همچون حسنین به وجود آمدند.

۱. عبدالعزیز بن سراپا بن ابی القاسم طائی معروف به صفی الدین حلّی (۶۷۷ ق، حله - ۷۵۰ ق. بغداد). وی دارای قصائد طولانی، قطعات و ابداعاتی از جمله موشح مضمّن د رنظم است. دیوان اهل بیت از دیگر آثار اوست. (زرکلی، ۱۹۶۹، ج ۴، ص ۶۰)

۲. شیخ رمضان آل محمد احسائی، شاعر و ادیب دراحساء مرکز شهر لهفوف به دنیا آمد و به کسب علوم فقهی و عقیدتی و بلاغت همت گمارد. اشعار وی سراسر عرض ارادت به پیامبر و خاندان عظیم الشان ایشان است. (Historylib.com)

۷. ﴿يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا \* وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ (انسان (۷۶) / ۷ و ۸): (آن‌ها) به نذر خود وفا می‌کنند و از روزی که گزند آن فراگیرنده است خود را در امان نمی‌بینند و به (پاس) دوستی (خدا) بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می‌دهند.

شأن نزول: این آیات در وصف امیرالمؤمنین و حضرت زهرا و حسنین علیهم‌السلام نازل شده است که به سبب بیماری حسنین نذر کردند سه روز روزه‌داری کنند و پس از شفای آنان، به نذر خود عمل کردند. لیکن به‌طور متوالی سه شب در هنگام افطار، غذای خود را به فقیر، اسیر و یتیم صدقه دادند و این آیه در وصف این خاندان مطهر نازل گردید. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۶۱۱)

دیک الجن<sup>۱</sup>، در عرض ارادت به محضر اهل بیت با تضمین این آیات چنین می‌سراید:

شرفی محبّة مَعَشِرِ شَرُفُوا بِسُورَةِ «هَلْ أَتَى»...  
(دیک الجن، ص ۴۷)

یعنی: شرف و مایه مباهات من دوستی با جماعتی است که سوره «هل اُتی» در وصف آنان نازل گردید.

۸. ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ﴾ (نور (۲۴) / ۳۵): خدا نور آسمانها و زمین است. مثل نور چون چراغدانی است که در آن چراغی، و آن چراغ در شیشه‌ای است. آن شیشه گویی اختری درخشان است.

شرح و توضیح: در روایتی چنین آمده: مشکاة (چراغدان) فاطمه، مصباح (چراغ) حسن، زجاجه (شیشه) حسین، و فاطمه اختری درخشان در میان زنان جهانیان

۱. عبدالسلام بن حبیب کلبی ملقب به دیک الجن (۱۶۱ ق. حمص- ۲۳۶ ق) اشعار بسیاری در وصف اهل بیت علیهم‌السلام سروده که نهایت شجاعت و محبت او به ایشان را بیان می‌دارد. (ابن خلکان، ج ۳، ص ۱۸۴)

است. (حویزی، ج ۳، ص ۶۰۲)

عبدالصمد خامنه‌ای با تضمین این آیه می‌سراید:

فِي زُجَاجٍ كَأَنَّهُ الْكَوْكَبُ الدَّرِيُّ نَوْرًا جَلَا سَنَاهُ الظَّلَامَا

(خامنه‌ی، ص ۳۶)

یعنی: ایشان چونان نوری درون شیشه هستند و آن شیشه، گویی اختری درخشان است که ظلمت را نابود می‌کند.

۹. ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران (۳) / ۱۰۳): و همگی به ریسمان

خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید.

شرح و توضیح: منظور از «ریسمان الهی» در این آیه خاندان پیامبر است که عامل وحدت میان مسلمانان‌اند و سبب می‌شوند که از پراکندگی و ضلالت در امان بمانند.

شافعی<sup>۱</sup> با تضمین این آیه در شعری معروف خطاب به خاندان نبوی می‌گوید:

وَأَمْسَكَتُ حَبْلَ اللَّهِ وَهُوَ وَلَاؤُهُمْ كَمَا قَدَّ أَمْرَنَا بِالتَّمْسُكِ بِالْحَبْلِ

(قمی، ج ۲، ص ۳۲۰)

یعنی: و به ریسمان الهی که ولایت آنان (اهل بیت) است چنگ زدم، آن چنان که خداوند متعال به چنگ زدن به این ریسمان امر نموده است.

۱۰. ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ

مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ﴾ (احزاب (۳۳) / ۷۲): ما امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم، پس، از برداشتن آن سرباز زدند و از آن هراسناک شدند و انسان آن را برداشت.

شرح و توضیح: مفضل بن عمر می‌گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: خداوند متعال

ارواح را دو هزار سال قبل از اجساد آفرید و بالاترین و شریف‌ترین آنها را ارواح

۱. محمدبن ادریس شافعی (۲۰۴-۱۵۰) در شهر غزه و به قولی سوریه زاده شد و پس از سفر به مکه در زمینه‌ی علوم فقهی به تکامل رسید. وی یکی از علمای اهل سنت است که در اشعار خود همواره ارادت خاصی به اهل بیت از جمله امام علی بن ابی طالب علیه السلام داشته است.



محمد و علی فاطمه و حسن و حسین و امامان پس از آنها قرار داد. سپس آنها را بر آسمان و زمین و کوهها عرضه داشت به طوری که انوار ایشان، آنها را فرا گرفت آن‌گاه فرمود: اینان اولیاء و محبین و حجتهای من بر مردم هستند، هیچ‌کس را محبوب‌تر از اینان نیافریدم. برای آنان که ایشان را دوست بدانند بهشت را آفریدم و برای آنان که با ایشان مخالفت کنند آتش را خلق کردم. پس ولایت و دوستی آنها نزد مخلوقاتم امانت است. حال کدام یک از شما این امانت را می‌پذیرد؟ آسمان و زمین و کوهها از پذیرفتن آن سر باز زدند و از بزرگداشت منزلت آنها بیم داشتند... و لیک انسان آن را پذیرفت. (فیض کاشانی، ج ۱، ص ۲۷)

این آیه حاکی از آن است که خداوند متعال دوستی اهل بیت پیامبر و ائمه معصومین علیهم‌السلام را بر انسانها واجب و لازم فرموده است و آن را چون امانتی سنگین و پر مسئولیت بر دوش آنها قرار داده است. شیخ عبدالله بن معتوق<sup>۱</sup>، در ابیاتی خطاب به حضرت حجّت (عجل الله تعالی فرجه)، با تلمیحی ظرافتمندانه ایشان و همه ائمه معصومین را امانت الهی معرفی کرده و چنین می‌گوید:

يَا آيَةَ الْحَقِّ حَقًّا يَا أَمَانَتَهُ وَ الْبَابُ وَ الْوَجْهُ وَ السَّرُّ الَّذِي حُجِّبَا

(مؤید، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۱۱۱)

یعنی: ای نشانه حق، ای امانت الهی، ای باب و وجه و سری که در پس پرده مستوری . ۱۱. ﴿فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى﴾ (آل عمران (۳) / ۱۹۵)، پس پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد (و فرمود که: من عمل هیچ صاحب عملی از شما را، از مرد یا زن، تباه نمی‌کنم.

شرح و توضیح: در تفسیر این آیه آمده است که امیر المؤمنین در شب هجرت

۱. شیخ عبدالله بن معتوق دانشمند فقیه و فرزانه (۱۲۷۴ هـ، حجاز- ۱۳۶۲) دارای تألیفات ارزشمندی در بیان واحکام و... است. (مؤید، ۱۴۲۶، باب الشعراء)

همراه با فاطمه دختر پیامبر و چند زن دیگر به مدینه هجرت فرمود. مصداق «ذکر» در این آیه حضرت علی علیه السلام و مصداق «انثی» حضرت زهرا علیها السلام است.

در این زمینه فرطوسی<sup>۱</sup> با تضمین این آیه چنین می‌سراید:

قال في الذكر: لا يُضَيِّعُ عِنْدِي  
عَمَلُ الْعَامِلِينَ دُونَ جَزَاءِ  
ذَكَرًا كَانَ - وَهُوَ يَعْنِي عَلِيًّا -  
أَمْ لِأَنْثَى كَالْبِضْعَةِ الْحَوْرَاءِ  
حِينَ مِنْ مَكَّةَ لِيَثْرَبَ لَيْلًا  
هَاجِرًا نَحْوَ خَاتَمِ الشُّفْرَاءِ

(مؤید، ج ۱، ص ۳۰۶)

یعنی: (خداوند) در قرآن فرمود: اعمال نزد من بدون پاداش از بین نمی‌رود، چه مرد باشد - یعنی امام علی علیه السلام - چه زنی همچون صدیقه حوراء؛ زمانی که شبانه از مکه به سوی یثرب و به نزد خاتم المرسلین مهاجرت کردند.

۱۲. ﴿لَا يَرُونَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا﴾ (انسان (۷۶) / ۱۳۱): در آنجا (بهشت)، نه آفتابی

بینند و نه سرمایی.

شرح و توضیح: ابن عباس گوید: در حالی که بهشتیان در جایگاه نیکوی خود به سر می‌برند، ناگاه نوری می‌بینند که بهشت را روشن می‌کند. می‌پرسند: پروردگارا، تو در کتاب خود فرمودی که بهشتیان خورشیدی نمی‌بینند (پس این نور چیست؟) در این هنگام، منادی ندا می‌دهد: این نه نور خورشید است و نه نور ماه، بلکه نوری است که از لبخند علی و فاطمه حاصل شده و بهشت را منور گردانیده است. (ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۲۹)

عبد المنعم فرطوسی در ابیات زیر با اقتباس از این آیه و با تلمیح بدین حدیث

می‌گوید:

إِنَّ أَهْلَ الْجَنَانِ يَشْرِقُ فِيهِمْ  
خَيْرٌ نُورٍ يَزْهُو بِخَيْرِ سَنَاءِ

۱. فرطوسی (۱۳۳۵ق. عراق - ۱۹۸۳ م) به فراگیری دروس دینی و انسانی نزد بزرگانی چون آیت الله خوئی پرداخت و به نظم شعر روی آورد. وی علاوه بر دو دیوانش، دارای ملحمه‌ای درباره اهل بیت علیهم السلام است که به هشت مجلد می‌رسد. (تمیمی، ص ۲۵۹)



فَيَقُولُونَ: رَبَّنَا قَلتَ صَدَقًا  
 لَيْسَ فِيهَا شَمْسٌ وَلَا زَمْهَرِيرٌ  
 فَيَجِيءُ النَّدَاءُ لِلْخَلْقِ مِنْهُ  
 إِنَّ عَبْدِي فَاطِمًا وَعَلِيًّا  
 فَتَجَلَّى فِي جَنَّةِ الْخُلْدِ نُورًا  
 (مؤید، ج ۱، ص ۲۹۶)

یعنی: در میان بهشتیان، نوری درخشان می‌تابد. می‌گویند: پروردگارا تو در قرآن - کتابی که هیچ دروغی در آن نیست - فرمودی: در بهشت نه خورشیدی است و نه سرمایی، چه چیزی (می‌تواند) بهتر این جلال و عظمت را بیان کند؟ ندایی برای مردم می‌آید که این نور، نور خورشید نیست. بندگان من فاطمه و علی علیهما السلام از چیزی به شگفت آمده و خندیده‌اند. از برق دندانهای آنها این چنین بهشت نورانی شده است.

۱۳- ﴿لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا﴾ (نور (۲۴) / ۶۳): صدا کردن

پیامبر را در میان خود، مانند صدا کردن یکدیگر قرار ندهید.

شأن نزول: یکی از اعراب وارد مسجد پیامبر شد و با صدایی بلند و توهین آمیز، گفت: محمد کجاست؟ پس این آیه نازل شد و به آنها دستور داد تا پیامبر را محترمانه با لقب «یا رسول الله» و «یا نبی الله» صدا کنند. (طبرسی، ج ۷، ص ۲۴۸)

شرح و توضیح: هنگامی که این آیه نازل شد، حضرت زهرا علیها السلام دیگر پیامبر را با عنوان پدر خطاب نکرد، بلکه ایشان را «یا رسول الله» خطاب می‌کرد. پیامبر ایشان را از این امر بازداشت و فرمود: این آیه نه در مورد تو و نه در مورد خانواده و فرزندان تو نازل شده، بلکه در مورد قومی نازل شده که بالحنی توهین آمیز مرا مورد خطاب قرار می‌دادند.

شاعر عراقی عبد المنعم فرطوسی با اقتباس از این آیه و با تلمیح به ماجرای

حدیث مذکور چنین می‌گوید:

وَلَقَدْ هَابَتِ الرَّسُولَ فَنَادَتْ:  
حِينَ وَافِي: لَا تَجْعَلُوا كَدُعَاءِ آلِ  
لَا تُنَادُوهُ يَا مُحَمَّدُ جَهْلًا  
قَالَ: قُولِي عِنْدَ النَّدَا: أَبَتَاهُ  
فَهِيَ مَا أُنزِلَتْ بِعِتْرَةِ طَه  
إِنَّمَا أُنزِلَتْ بِقَوْمٍ جُفَاءِ

(مؤید، ج ۱، ص ۳۰۷)

يَا رَسُولَ الْإِلَهِ وَقَتَ النَّدَاءِ  
بَعْضُ مِنْكُمْ مُحَمَّدًا فِي الدُّعَاءِ  
بِاسْمِهِ مِثْلَ سَائِرِ الْأَسْمَاءِ  
فَهُوَ أَدْعَى مَا بَيْنَنَا لِلْوَلَاءِ  
وَذَرَارِيهِهِ خَيْرَةٌ لِلْجِبَاءِ  
مِنْ قُرَيْشٍ مِنْ غِلْظَةٍ وَجَفَاءِ

یعنی: زمانی که این آیه نازل شد: از روی جهل ایشان را همچون دیگران با اسم صدا  
نزدید و نگویید «یا محمد»، آن هنگام فاطمه علیها السلام ترسید و صدا زد: ای رسول خدا! پیامبر به  
حضرت زهرا علیها السلام فرمود: هنگام صدا زدن مرا پدر خطاب کن که آن برای من  
دوست داشتنی تر است. چرا که این آیه خطاب به عترت و خاندان من نیست؛ بلکه آن در  
مورد گروهی از قریش نازل شده که از روی درشتی و اهانت چنین می‌کنند.

(ب) آیاتی در شأن یکی از خاندان اهل بیت علیهم السلام:

۱. ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا  
حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (اسراء (۱۷) / ۱): پاک و منزّه است خدایی که  
بنده‌اش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی - که گرداگردش را پربرکت  
ساخته‌ایم - برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم؛ چرا که او شنوا و بیناست.  
شأن نزول: این آیه اشاره به داستان معراج پیامبر از مسجد الحرام به  
مسجد الاقصی و از آنجا به عالم بالا دارد که در سال ۱۲ بعد از بعثت در شب ۲۷  
رجب و پس از نماز عشا رخ داد. (طبرسی، ج ۶، ص ۶۰۹)

شرح و توضیح: در قرآن آیات زیادی وجود دارد که مخاطب آن حضرت  
رسول صلی الله علیه و آله می‌باشد و با کلماتی چون: «یا ایها النبی» ایشان را مورد خطاب قرار  
می‌دهد. در این آیه خداوند، پیامبر را «عبد الله» خوانده و از شبی سخن می‌گوید که



به شب معراج معروف شده است. در این عروج ربانی خویش با حقایقی روبرو گشته که شرح قسمتی از آن در کتب روایی وارد شده است.

این آیه و آیاتی نظیر آن همگی به بلندی و رفعت مقام کسی شهادت می دهند که خداوند در این حدیث قدسی او را بهانه خلقت هستی معرفی می کند: «یا أحمد، لَوْلَاکَ مَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاکَ» یعنی: ای پیامبر! اگر تو نبودی، آسمانها را نمی آفریدم. (مجلسی، ج ۵۴، ص ۱۹۹)

شیخ عبدالصمد خامنئی با اقتباس از این آیه به این عروج نورانی اشاره می کند:  
تُسْرَى كَبْدَرِ التَّمِّ سُبْحَانَ الَّذِي  
أَشْرَى بِبَدْرِ فِي سَنَاهُ يَضْلُلُ  
(خامنئی، ص ۲۸)

یعنی: تو - ای پیامبر - همچون ماه کامل در آسمان حرکت کردی، پاک و منزّه است خدائی که یک ماه (همچون تو) را که آدمی در ستایش او سردرگم می شود، در آسمان (رسالت) حرکت داد.

در جایی دیگر با تلمیح به شب معراج چنین می گوید:

أَنْتَ الَّذِي جَبْتَ السَّمَاوَاتِ الْعُلَى  
فِي لَيْلَةِ الْأَسْرَاءِ كَبْدَرٍ يَكْمَلُ  
(همان، ص ۳۰)

یعنی: تویی آن که در شب «اسراء» همچون ماه کامل، آسمانهای رفیع را پشت سر نهادی و بالا رفتی.

۲. ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (احزاب (۳۳) / ۵۶): خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستید و سلام گوید (و کاملاً تسلیم فرمان او باشید).

شرح و توضیح: اینکه خداوند بر بنده ای درود فرستد و از همه بخواهد آنها نیز بر او صلوات بفرستند، خود حاکی از مقام و منزلت آن بنده است که چنین از طرف خداوند ستایش می شود.

هنگامی که این آیه نازل گردید، از پیامبر پرسیده شد ای رسول خدا می دانیم که چگونه بر تو سلام کنیم؛ اما چگونه بر تو درود بفرستیم؟ پیامبر فرمود بگویید: «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد». (مؤید، ج ۵، ص ۴۳۷)

شیخ عبد الصمد خامنئی با اقتباس از این آیه، آن را به عنوان حُسن ختام یکی از قصایدش قرار می دهد و می گوید:

يا صحبُ إنَّ محمدًا خيرُ الورى صلّوا عليه و سلّموا تسلياً  
(خامنئی، ص ۳۲)

یعنی: ای دوستان، محمد ﷺ بهترین مردم است، (پس) بر او درود فرستید و سلام گوید و کاملاً تسلیم (فرمان او) باشید.

۳. ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۖ إِن هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ (نجم (۵۳) / ۳-۴): و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید. آنچه می گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست. شرح و توضیح: روایت شده هنگامی که پیامبر در آستانه رحلت بودند، از اطرافیان کاغذ و دواتی خواستند تا برای آنها چیزی بنویسند که با تمسک بدان، هیچ گاه گمراه نگردند. ولی عمر در هر مرتبه می گفت: پیامبر هذیان می گوید و از دادن قلم و دوات خودداری می کرد. این آیه می توانست پاسخی باشد به آنچه عمر پیامبر را بدان نسبت می داد. پیامبر هیچ گاه از روی هوای نفسانی سخنی نمی گوید.

شیخ محمد حسن سمیسم<sup>۱</sup> با اقتباس از این آیه چنین می گوید:  
ما كان ينطق عن هواه و إنما وحي له يحيي النبي خطابا  
(مؤید، ج ۲، ص ۱۷۴)

یعنی: پیامبر از روی هوا و هوس سخن نمی گوید و هر چه را بر زبان می آورد، وحی الهی است که ایشان را مورد خطاب قرار می دهد.

۱. شیخ محمد حسن بن شیخ هادی (م. ۱۳۴۳ق)، از شعرای بزرگ نجف که اکثر اشعارش در مورد اهل بیت علیهم السلام با عنوان ((سحرالبیان)) سروده شده است. (مؤید، باب الشعراء)

۴. ﴿وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ﴾ (اسراء ۱۷ / ۶۰): و ما آن رؤیایی را

که به تو نشان دادیم، فقط برای آزمایش مردم بود.

شأن نزول: این آیه به رویایی اشاره می‌کند که پیامبر در مورد بنی امیه دیده بودند. ابن مردویه از حسین بن علی علیه السلام نقل می‌کند که روزی پیامبر خدا ناراحت بود. از ایشان پرسیدند: چه شده یا رسول الله؟ ایشان فرمود: در خواب دیدم که بنی امیه همچون بوزینه، به نوبت، از منبرم بالا می‌رفتند. گفته شد: یا رسول الله، اهمیت ندهید... این آیه نازل شد. (طبرسی، ج ۶، ص ۶۵۴)

شیخ عبدالله الوائل الاحسائی<sup>۱</sup> با تلمیح به شأن نزول آیه، چنین می‌سراید:

فَاسْتَطَالَتْ لَهَا الْقُرُودُ عَلَى الْأُشْجَارِ  
سُدِّدِ وَمِنْ قَبْلِ أَحْمَدُ قَدْ رَأَىهَا

(مؤید، ج ۵، ص ۲۶۲)

یعنی: بوزینه‌ها با گستاخی بر شیرها جسارت ورزیدند، (و این چیزی بود که) پیامبر

آن را از قبل (در خواب) دیده بود.

۵. ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ

رَاكِعُونَ﴾ (مائده ۵ / ۵۵): سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنان که ایمان آورده‌اند؛ همانها که نماز را برپا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند.

شأن نزول: روزی سائلی وارد مسجد پیامبر شد و از مردم درخواست کمک نمود. امیرالمؤمنین علیه السلام انگشتی خود را که به عنوان غنیمت به دست آورده بودند، در حال رکوع بدو نشان دادند و سائل آن را از دست امام خارج نمود. (واحدی، ص ۲۰۲) صاحب بن عباد<sup>۲</sup> در تلمیح به داستان زکات امام علی علیه السلام در هنگام رکوع و

۱. عبدالله الوائل الاحسائی (۱۳۳۸ق. لهوف ۱۳۰۵) از کتابهای او، کشکول کبیر و دیوان شعراست. (مؤید، باب الشعراء)

۲. وزیرمؤید الدوله، شاعر، عالم ادیب بارز و سیاستمدار، در سال ۳۲۶ ق در طالقان قزوین متولد شد. شاعر شیعی امامیه و دارای اشعار زیبایی در مدح اهل بیت علیهم السلام است. به سال ۳۸۵ ق در ری وفات یافت. (وفیات الأعیان، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۱)

شجاعت ایشان در جنگها چنین می‌گوید:

قالت: فن راعُ زكِي بخاتمه

فقلت: أظعنهم مذ كان بالأسل

(صاحب بن عباد، ص ۴۲)

یعنی: گفت: آن کسی که انگشترش را در رکوع به عنوان زکات مالش پرداخت، چه کسی است؟ گفتیم: شجاع‌ترین آنها، آن‌گاه که نیزه به دست می‌گرفت.

ع- ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلُ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رَسُولَهُ وَ اللَّهُ يَعَصُّكَ مِنَ النَّاسِ﴾ (مائده ۵ / ۶۷): ای پیامبر، آنچه از خدا بر تو نازل شد، به خلق برسان که اگر نرسانی، پیام او را نرسانده‌ای و خدا تو را از شر مردمان محفوظ خواهد داشت. شأن نزول: عموم مفسران معتقدند این آیه در بازگشت پیامبر از حجّة الوداع و در روز غدیر بر پیامبر نازل شده که پیامبر حضرت علی عليه السلام را به عنوان ولی مردم و جانشین خود قرار دادند. (سیوطی، ج ۲، ص ۲۹۸)

عبدالمهدی مطر<sup>۱</sup> با تلمیح به ماجرای غدیر خم، این آیه را در شعر خود چنین به تصویر می‌کشد:

يومٌ تُتَوَجَّكُ السَّمَاءُ بِبَيْعَةٍ  
عَصَاءٍ لَمْ تَعْبَثْ بِهَا الْفَلَتَاتُ  
جَبْرِيلُ يَحْمِلُ سِرَّهَا وَ مُحَمَّدٌ  
كَانَ الْمَبْلُغَ وَ الْقُلُوبَ دُعَاةُ

(شاکری، ص ۱۷۱)

یعنی: روزی که (ندای) آسمان در بیعتی محکم تو را سید و سرور مردم قرار داد، بیعتی که هیچ خطا و اشتباهی در آن نبود. جبرئیل حامل این ابلاغ بود و پیامبر مبلغ آن، و دلها طالب و خواستار آن بودند.

شیخ عبدالعظیم ربیعی<sup>۲</sup> نیز با تضمین آیه می‌سراید:

۱. شاعر و عالم دینی در سال ۱۹۰۰م درنجف متولد شد و در علوم فقه و اصول و تفسیر و حدیث مهارت یافت. آثار فراوانی به‌ویژه در حوزه شعر دارد. به سال ۱۹۷۵ درگذشت. (شاکری، ص ۱۶۵)

۲. ربیعی (۱۳۳۳ - ۱۳۳۹) وی آثار فراوانی در شعر از جمله رباعیات دارد. دیوان او در زمینه شعر شعبی (ملی) شهرت دارد. (مؤید، باب الشعراء)

یا رسولُ بَلِّغْ مَا آتَى  
و متى خالفتَ في أمرٍ متى  
مِنَ إِلَهٍ فِي خَيْرِ فِتَى  
لَمْ تُبَلِّغْ قَطُّ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ  
و لَكَ الْعِصْمَةُ مِنَّا وَ الضَّمَانُ

(مؤید، ج ۵، ص ۷۵)

یعنی: ای پیامبر خدا، آنچه از جانب خدا در مورد بهترین جوانمرد بر تو آمده، ابلاغ فرما. و هرگاه در ابلاغ این امر مخالفت کنی، گویی هرگز رسالتت را انجام نداده‌ای. و ما محافظ و مراقب تو هستیم.

۷. ﴿وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَ جَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا﴾ (مریم (۱۹) / ۵۰): و از رحمت خویش به آنان ارزانی داشتیم، و ذکر خیر بلندی برایشان قرار دادیم.

شرح و توضیح: خداوند در این آیه، با اشاره به اهل بیت خاندان نبوی در امر ولایت و هدایت بندگان، این بزرگواران را مشمول فضل و رحمت خود داشته، نام نیکوی ایشان را در زمین و آسمان و در میان انس و جن بلند مرتبه گردانده و تعیین جانشینانی دارای عصمت و مرتبه والا را برای پیامبر ضروری دانسته است. (نک: حویزی، ج ۳، ص ۳۳۹)

عبد المنعم فرطوسی در ملحه‌اش با اقتباس از این آیه و روایات ذیل آن، گفتگوی پیامبر با خدا درباره امرالمؤمنین علیهم السلام در شب معراج را چنین به نظم می‌کشد:

قَالَ طَه: نُودِيْتُ مِنْ عِنْدِ رَبِّي  
مَنْ أَحَبُّ الْوَرَى إِلَيْكَ وَ مَنْ ذَا  
عِنْدَ وَقْتِ الْمَعْرَاجِ بَعْدَ ارْتِقَائِي:  
لَكَ أَضْحَى مِنْ خَيْرَةِ الْخُلَفَاءِ؟  
و حَبِيبِي وَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ  
لِي فَاقْرَأْ يَا خَاتَمَ الْأَذْكَيَاءِ  
هُم بَعْدَ أَكْرَمِ الْأَصْفِيَاءِ  
وَأَخِي وَ صَهْرِي عَلِيٌّ  
وَ آتَى جِبْرَائِيلُ نَحْوِي فَأَوْحَى  
قَدْ جَعَلْنَا لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا

(فرطوسی، ج ۱، ص ۲۲۲)

یعنی: پیامبر فرمود: در شب معراج پس از عروج به آسمان، خداوند مرا مورد خطاب قرار داد و فرمود: چه کسی در نزد تو محبوب‌ترین بندگان است و برترین جانشین پس از تو می‌باشد؟ گفتم: پروردگارا! برادر، داماد و دوست و برترین جانشین من، علی است. جبرئیل نزد من آمد و گفت: بخوان ای آخرین فرستاده: علی را برای بندگان لسان صدق (زبان راستی و درستی) قرار دادیم و او پس از تو والاترین برگزیده و برترین جانشین است. ۸. الف) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ (توبه (۹) / ۱۱۹): ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و با صادقان باشید.

شرح و توضیح: از جابر و ابن عباس نقل شده است که «کونوا مع الصادقین» یعنی «کونوا مع علی بن ابی طالب» یعنی همواره همراه (و پشتیبان) علی علیه السلام باشید که او سید و سرور صادقین است. (طبرسی، ج ۵، ص ۱۲۲)

ب- ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ﴾ (واقعه (۵۶) / ۱۰): و (سومین گروه) پیشگامان پیشگامان اند.

شرح و توضیح: این آیه درباره حضرت علی علیه السلام نازل شده است. ابن مردویه از قول ابن عباس می‌گوید که این آیه در مورد حزقیل مومن آل فرعون و حبیب نجار که در سوره یس نام برده شده و علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است و هر کدام از آنها پیشگام امت خویش است که در میان آنها، علی برترین است.

(طبرسی، ج ۹، ص ۳۲۵)

ابو محمد سفیان بن مصعب عبدی کوفی<sup>۱</sup> از شعرای بارز عرب که عمده اشعارش درباره اهل بیت علیهم السلام بوده است، در تضمین این آیات چنین می‌سراید:

أَلُ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ      أَهْلُ الْفَضَائِلِ وَالْمَنَاقِبِ

۱. از شعرای اهل بیت علیهم السلام است که اکثر اشعارش در مدح امام علی علیه السلام و فرزندان و مصیبت‌های آنان آمده است. امام صادق علیه السلام در حدیثی او راستوده وی چنین می‌فرماید: ای گروه شیعه! به فرزندانان شعر عبدی را یاد بدهید، چرا که او بر دین و آیین خداست. به سال ۱۲۰ در کوفه وفات یافت.





المُرشدونَ مِنَ العَمَى  
الصَّادِقونَ النَّاطِقونَ

و المُنقذونَ مِنَ اللّوَابِ  
السَّابِقونَ إِلَى الرَّغَائِبِ

(مؤید، ج ۲، ص ۶۵)

یعنی: خاندان پیامبر، اهل فضائل و مناقب‌اند. ایشان راهنمای انسان‌هایند در تاریکیها، و نجات دهنده او هستند از شدائد و سختی‌ها. راستگویانی و ناطقانی که در رسیدن به خواسته‌ها پیشی می‌گیرند.

۹. ﴿الَّذِينَ يُتَّقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (بقره (۲) / ۲۷۴): آنها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکارا، انفاق می‌کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است؛ نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین می‌شوند.

شرح و توضیح: خداوند در این آیه، به تشویق مؤمنان پرداخته و از آنها خواسته مال خود را در راه خدا انفاق کنند و جزای این انفاق را چه در شب باشد و چه روز، چه آشکارا و چه نهانی بر خود لازم دانسته به مؤمنان وعده یاری می‌دهد. مصداق بارز این آیه حضرت علی عليه السلام است که یک دینار در روز و یک دینار در شب و یکی آشکارا و برای تشویق دیگر مسلمین بدین کار و یکی پنهانی در راه خدا انفاق می‌فرمود. (نک: حویزی، ج ۱، ص ۲۹۰)

استاد سعید عسلی عاملی<sup>۱</sup> با تضمین این آیه چنین می‌گوید:

إِنَّ الَّذِينَ تَصَدَّقُوا فِي مَالِهِمْ  
فِي لَيْلِهِمْ وَنَهَارِهِمْ بِصَوَابٍ  
سِرًّا عَلَانِيَةً عَلَى إِحْسَانِهِمْ  
لَهُمُ الْجَنَانُ بِهَا وَحُسْنُ مَا بِ

(مؤید، ج ۲، ص ۶۲)

یعنی: کسانی که اموالشان را در شب و روز انفاق می‌کنند. (انفاق) آشکارا و پنهان از

۱. به سال ۱۳۴۸ ق در جنوب لبنان متولد شد. دارای میراث شعری عظیمی است. دیوان او الشاعر الحزین نام دارد. و ملحمه او نیز به مولد النور شهرت دارد که تاریخ اسلام را، از زمان ساخت کعبه تا وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله در بردارد. (مؤید، باب الشعراء)



روی احسان و نیکی، (قطعاً) بهشت و عاقبت نیکو از آن آنان است.

۱۰. ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ (کوثر (۱۰۸ / ۱): ما به تو کوثر (خیر فراوان) عطا کردیم.

شأن نزول: پس از وفات پسر بزرگ پیامبر در مکه، عاص بن وائل با هدف زخم زبان زدن به آن حضرت، ایشان را ابتر (نسل بریده و بدون فرزند ذکور) نامید. خداوند در جواب او این سوره را نازل کرده و پیامبر را به خیر کثیر بشارت داد و دشمن او را ابتر خواند. (نک: سیوطی، ج ۶، ص ۴۰۱)

شرح و توضیح: بعضی از مفسران، منظور از «کوثر» در این آیه را حضرت زهرا علیها السلام می دانند که مایه خیر کثیر برای پیامبر بوده و سلاله رسول الله صلی الله علیه و آله در دامان او پرورش یافت. (نک: طبرسی، ج ۱۰، ص ۸۳۷)

سید مرتضی قزوینی با تلمیح این آیه چنین می گوید:

فَسُورَةُ الْكَوْثَرِ اخْتَصَّتْ بِهَا شَرَفًا وَ حَسْبُهَا سُورَةٌ تَسْمُو بِعَلِيَّاهَا

(مؤید، ج ۵، ص ۲۹۷)

یعنی: سوره کوثر در شأن اوست و برای او همین افتخار بس که سوره ای، مقام و مرتبه او را بالا برده است.

۱۱. ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ (قدر (۹۷) / ۱): ما آن (قرآن) را در شب قدر نازل

کردیم.

شرح و توضیح: در تفسیر فرات کوفی از ابی عبدالهف چنین نقل شده که فرمود: در سوره قدر، منظور از «لیلة» فاطمه و مراد از «قدر» خداوند است. هرکس فاطمه را به خوبی بشناسد شب قدر را درک کرده است. (مؤید، ج ۲، ص ۳۲)

استاد جعفر الجعفر<sup>۱</sup> در مدح حضرت زهرا علیها السلام با تضمین این آیه چنین می گوید:

سَلَامٌ وَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ نَوْرَهَا سَلَامٌ عَلَى مَنْ نَوْرَهَا غَيْرُ غَائِبٍ

۱. استاد جعفر محمدبن احمد آل جعفر (۱۳۴۱ - ۱۴۱۱ ق) در شهر کوخرد در استان هرمزگان ایران به دنیا آمد.

(همان، ج ۲، ص ۳۲)

یعنی: درود و سلام تا سپیده صبح بر کسی که نور پرفروغش هرگز محو و غایب نمی‌گردد.

### نتیجه

گروهی از احادیث تفسیری که در منابع شیعه و سنی روایت شده، بیانگر شأن نزول آیاتی است که پیرامون منزلت اهل بیت علیهم‌السلام نازل گشته است. از سوی دیگر اقتباس یکی از آرایه‌های ادبی و بلاغی است که همواره در شعر شاعران عرب رایج بوده است. شاعران عرب گاه عبارت قرآنی را همان‌گونه که هست در شعر خود جای داده‌اند و گاه مضمون آن را تضمین نموده‌اند و گاه به شأن نزول آیه اشاره و تلمیح نموده‌اند. اقتباس و تضمین این‌گونه آیات و تلمیح به شأن نزول آنها گواهی عشق و محبت خالص این شاعران نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام و بیانگر عنایت ادبا و شاعران در استناد به آیات قرآن و روایات می‌باشد. از این رو، اگر چه زبان شاعر زبان حس و عاطفه است، لیکن شعر خود را با پشتوانه عقل و نقل مستند و مستدل می‌سازد.

ما در این مقاله، به آیاتی پرداختیم که محوریت اهل بیت علیهم‌السلام در آنها به چشم می‌خورد و با نگاهی گذرا بر ابیات شماری از شاعران جهان عرب، میزان محبت و ارادت خالصانه آنها را به نظاره نشستیم.

## منابع

### قرآن کریم.

۱. آذرنوش، آذرتاش. فرهنگ معاصر عربی فارسی. تهران: نشر نی، ۱۳۸۱ش.
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد. تفسیر القرآن العظیم. عربستان سعودی: مكتبة نزار مصطفى الباز، ۱۴۱۹ق.
۳. ابن خلکان، شمس الدین احمد بن محمد. وفيات الأعیان. بیروت: دار صادر.
۴. ابن شهر آشوب، أبو جعفر. مناقب آل أبی طالب. بیروت: دار الأضواء.
۵. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو. تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ق.
۶. تمیمی، جعفر صادق حمودی. معجم الشعراء العراقيين المتوفين فی العصر الحديث. بغداد: شركة المعرفة، ۱۴۱۲ق.
۷. حلی، صفی الدین. دیوان. بیروت: دار صادر.
۸. حموی، یاقوت. معجم الأدباء. بیروت: دار الغرب الإسلامی، ۱۴۱۴ق.
۹. حویزی، علی بن جمعه. تفسیر نورالثقلین. تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۱۰. حویزی، عبدالحسین. دیوان. تحقیق: حمید مجید هدو، بیروت: دار مكتبة الحياة، ۱۳۸۴ق.
۱۱. خامنئی، الشیخ عبد الصمد بن محمد باقر. المقتطفات من دیوان. اشراف: علامه آیت الله جعفر سبحانی، قم، ۱۴۱۴هـ.
۱۲. دیک الجن. دیوان. تحقیق احمد مطلوب، بیروت: دارالثقافة.
۱۳. زرکلی، خیر الدین. الأعلام. بیروت، ۱۳۸۹ق.
۱۴. سید رضی. نهج البلاغه. مصحح: علینقی فیض الاسلام، تهران: انتشارات فقیه، ۱۳۷۹ش.
۱۵. سیوطی جلال الدین. الدر المنثور فی تفسیر المأثور. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.



۱۶. شاکری، حسین. *علی‌الینا فی الكتاب والسنة والادب*. قم: انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۱ق.
۱۷. شهیدی، سید جعفر. *ترجمه نهج البلاغه*. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ ش.
۱۸. صاحب بن عباد. دیوان. تحقیق: محمد حسن آل یس، قم: موسسه قائم آل محمد (عج)، ۱۴۱۴ق.
۱۹. صالحی اندیمشکی، محمد. *القرآن و فضائل اهل البيت*. قم: انتشارات ذوی القربی، ۱۳۸۳ش.
۲۰. طبری، محمد بن جریر. *ترجمه تفسیر طبری*. تحقیق: حبیب یغمایی، تهران: انتشارات توس، ۱۳۵۶ش.
۲۱. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن. *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۲. فرطوسی، عبدالمنعم. *ملحمة اهل البيت*. بیروت: دار الزهراء، ۱۳۹۸ق.
۲۳. فیروز آبادی، سید مرتضی. *فضائل الخمسة من الصحاح الستة*. تهران: اسلامیه، ۱۳۹۲ق.
۲۴. فیض کاشانی، ملا محسن. *تفسیر الصافی*. تحقیق: حسین اعلمی، تهران: انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ق.
۲۵. قمی، محدث. *الکنى والألقاب*. نجف، ۱۳۷۶هـ.
۲۶. کوفی، فرات بن ابراهیم. *تفسیر فرات الکوفی*. تحقیق: محمد کاظم محمودی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲۷. مجلسی، محمد باقر. *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار*. تهران: اسلامیه.
۲۸. مؤید، علی حیدر. *الفاطمیات*. بیروت: دارالعلوم، ۱۴۲۶هـ.
۲۹. واحدی، علی بن احمد. *اسباب نزول القرآن*. تحقیق: کمال بسیونی زغلول، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
۳۰. هاشمی، احمد. *جواهر البلاغه فی المعانی والبیان والبدیع*. تهران: انتشارات الهام، ۱۳۷۷.